

بسم الله الرحمن الرحيم

درس خارج فقه نظام سیاسی اسلام آیت الله اراکی «جلسه ۵۵»

سال تحصیلی ۹۸-۹۹

روایت هفتم:

مرحوم صدوق در خصال به سندش از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ النَّارَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَأَمَّا الَّذِينَ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فإِمَامٌ عَادِلٌ وَ تَاجِرٌ صَدُوقٌ وَ شَيْخٌ أَفْقَى عُمْرُهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الثَّلَاثَةُ الَّذِينَ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ النَّارَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فإِمَامٌ جَائِرٌ وَ تَاجِرٌ كَذُوبٌ وَ شَيْخٌ زَانٍ.^۱

امام جائز از کسانی است که خداوند او را به غیر حساب وارد آتش خواهد کرد و امام عادل از کسانی است که خداوند به غیر حساب او را وارد بهشت می‌کند.

روایت هشتم:

احمد بن حنبل در مسندش به سندش از سعد بن عبادۀ روایت می‌کند: عن النبي صلى الله عليه و آله انه قال: ما من أمير عشرة إلا أتى الله عز وجل مغلولاً يوم القيامة لا يُطْلَقُهُ إِلَّا الْعَدْلُ.^۲ کسی که بر ده نفر اعمال ولایت کند -تا چه رسد بیش از آن- اگر به عدل عمل نکند، دست بسته در روز قیامت حاضرش خواهند کرد و چیزی جز عدل دست حاکمان را در روز قیامت باز نخواهد کرد و احمد بن حنبل همین روایت را در جایی دیگر از عبادۀ بن صامت نقل می‌کند.^۳

روایت نهم:

^۱ .الخصال: ج ۱، ص ۸۰.

^۲ .مسند احمد بن حنبل: ح ۲۲۵۱۷.

^۳ .همان: ح ۲۲۸۲۵.

قَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ وَلِيَ سَبْعَةً مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي وَلَمْ يَعْدِلْ فِيهِمْ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ.^۱

کسی که بر هفت نفر ولایت داشته باشد، اگر عدل را نسبت به آنها رعایت نکند، موجبات خشم الهی را فراهم آورده است.

روایت دهم:

«الدرر اللوامع» که تالیف «سیوطی» و «منابی» است، این روایت را از کتاب «الکبیر طبرانی» نقل می‌کند:

باسناده عن شداد بن اوس قال قال النبی صلی الله علیه و آله: اول الامارة علامة و ثانيها ندامة و ثالثها عذاب يوم القيامة الا من رحم و عدل.

شاید مراد چنین باشد که همان آغاز اینکه کسی- امارت را به عهده می‌گیرد علامت آن است که این شخص اهل صلاح است و یا اهل صلاح نیست که اگر به حق به عهده بگیرد علامت صلاح است و اگر به ناحق به عهده بگیرد، علامت فساد است و بعد اگر کسی رحمت و عدل را که در انتهای روایت آمده را رعایت نکند پشیمانی نتیجه خواهد داد؛ هم خود حاکم پشیمان خواهد شد و هم کسانی که این حاکم را به حاکمیت رساندند، و سرانجام هم عذاب روز قیامت در انتظار اوست؛ مگر اینکه کسی- اساس رحم و عدل را اساس کار خویش در حاکمیت قرار دهد.

روایت دوازدهم:

در کتاب الدرر الوامع از احمد ابن حنبل و ابن الحاکم فی الاوسط و البزاز نقل می‌کند:

عن انس قال قال النبی صلی الله علیه و آله: الائمة من قریش و لی علیک حق عظیم و لهم مثل ذلک ما فعلوا ثلاثاً: ما اذا استرحموا رحموا، و اذا حکموا عدلوا و اذا عاهدوا وقوا و من لم يفعل ذلک فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعين.^۲

^۱ . تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعة ورام)، ج ۲، ص ۱۱۰.

^۲ . الدرر اللوامع: ص ۳۵۸.

روایت سیزدهم:

در کتاب الدرر الوامع از رسول اکرم ص روایت می‌کند: یجاء بالامام الجائر یوم القيامة و تُخاصمه الرعية فیفلیحوا علیه و یقال له صدّ رکناً من ارکان جهنم. هنگامی که مردم با امام جائر مخاصمه کردند و او محکوم شد در پیشگاه خدا به او گفته می‌شود رکنی از ارکان جهنم باش یعنی در جایگاه‌های سخت جهنم قرار می‌گیرد.^۱

روایت چهاردهم:

مرحوم صدوق در عیون اخبار الرضا روایت می‌کند:
بِالْأَسَانِيدِ الثَّلَاثَةِ عَنْ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ أَمِيرٌ مُتَسَلِّطٌ لَمْ يَعْدِلْ وَ دُو ثَرْوَةٍ مِنَ أَمْوَالِ لَمْ يُعْطِ أَمْوَالُ حَقِّهِ وَ فَقِيرٌ فَخُورٌ.^۲

قرینه و اساس این مطلب آن آیه کریمه‌ای است که فرمود: فَاتَّبِعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ * يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ.^۳

البته این را گفته‌ایم که تمام روایات در تمام رشته‌ها از جمله فقهی و اخلاقی نیز همه تفسیر قرآنند و هر بیانی که ائمه اطهار علیهم السلام دارند تفسیر و بیان قرآن کریم است.

روایت پانزدهم:

روایت معروف تحف العقول:

فَوَجَّهَ الْحَلَائِلَ مِنَ الْوَلَايَةِ وَلَايَةَ الْوَالِي الْعَادِلِ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ بِمَعْرِفَتِهِ وَ وَلَايَتِهِ وَ الْعَمَلِ لَهُ فِي وَلَايَتِهِ

خدای متعال هم امر به معرفت ولی عادل کرده است هم ولایت او از سوی خدای متعال متعلق امر الهی است یعنی این ولایت بر او واجب است و هم عمل در ولایت او و برای او از واجبات است.

^۱ . همان: ص ۱۰۷۹.

^۲ . بحار الأنوار: ج ۷۲، ص ۳۴۱.

^۳ . سورة هود: ۹۷-۹۸.

روایت ادامه دارد تا آنجایی که تعلیل می‌آورد و می‌فرماید: وَ ذَلِكَ اَنَّ فِي وِلَايَةِ وَالِي الْعَدْلِ وَ وِلَايَةِ اِخْيَاءِ كُلِّ حَقٍّ وَ كُلِّ عَدْلٍ وَ اِمَاةٍ كُلِّ ظُلْمٍ وَ جَوْرِ وَ فَسَادٍ. و بعد می‌فرماید: اَمَّا وَجْهُ الْحَرَامِ مِنَ الْوِلَايَةِ فَوِلَايَةُ الْوَالِي الْجَائِرِ وَ وِلَايَةُ وِلَايَةِ؛ روایت ادامه دارد تا آنجایی که تعلیل می‌آورد و می‌فرماید: وَ ذَلِكَ اَنَّ فِي وِلَايَةِ الْوَالِي الْجَائِرِ دُوسَ الْحَقِّ كُلِّهِ وَ اِخْيَاءَ الْبَاطِلِ كُلِّهِ وَ اِظْهَارَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ وَ الْفَسَادِ.^۱

در این روایت هم حکم بیان شده است و هم علت حکم. نکته اینکه می‌فرماید: دُوسَ الْحَقِّ كُلِّهِ وَ اِخْيَاءَ الْبَاطِلِ كُلِّهِ؛ در ولایت ولی جائر همه باطل احیاء شده و همه حق از بین می‌رود در این است که همان والی جائری که مردم می‌گویند عادل بود -مثلاً انوشیروان-، این عدل نه سودی به حال او دارد و سودی به حال مردم؛ زیرا این جایگاهی را که آن حاکم اشغال کرده است بدترین ظلم است و هر عملی تحت این ولایت انجام شود همه‌اش ظلم است، و اینکه حق کسی را هم از ظالمی بگیرد و بدهد این عدل نیست؛ بلکه عین ظلم است به این دلیل که تصرف بدون اذن انجام داده است. لذا هر حاکمی که از خداوند در اعمال ولایت ماذون نباشد، در انجام همان عملی که مردم خیال می‌کنند عدل است، فعل ظلم و حاکم ظالم است زیرا عمل او تصرف در شئون حکومتی است که ماذون نیست؛ لذا می‌فرماید: اِخْيَاءَ الْبَاطِلِ كُلِّهِ.

مضمون این روایات مضمون قطعی الصحه هستند و آیاتی که خواندیم مؤید این روایات‌اند و همه این روایات تواتر معنوی دارند؛ لذا نیازی به بررسی سند این روایات نداریم.

پایان

^۱ . تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام ، ج ۱ ، ص ۳۳۲.